

سلام به فوتبال، سلام به زندگی

مسابقات «یورو ۲۰۲۴» از فردا شور فوتبال را به دنیا تزریق خواهد کرد؛ فوتبالی که حال و هوایش می تواند متاثر از شاخصه های اجتماعی هر کشوری باشد. در این پرونده سراغ ویژگی های شخصیتی تیم های مطرح این جام رفتیم

سیدمصطفی صابری | روزنامه نگار

پرونده

فوتبال قصه زندگی است، قصه قهرمانانی که لحظه ای تشویق می شوند و در اوج هستند اما با کمی گردش توپ و بدبیماری ممکن است به زیر کشیده شوند. قصه مردمانی که مشتاقانه رویاهای شان را در ساق پای باز یکنانی جست و جو می کنند که روزگاری در کوچه های فقر قدم می زنند و می خواستند پایان قصه را برای خودشان و مردم کشورشان زیبا رقم بزنند. فوتبال قصه زندگی است، همان قدر غیر قابل پیش بینی، گاهی همان قدر زیبا و در مواردی همان قدر بی رحم. فوتبال می تواند گاهی مثل یک ظهیر داغ تابستانی غیر قابل تحمل و یک وقت هایی مثل عصری بهاری لطیف و دوست داشتنی باشد. برای همین است که می شود رد پای زندگی را هم در فوتبال دید. جایی که آلمانی ها مثل زندگی اجتماعی شان منظم بازی می کنند، تیم ملی فرانسه مثل کوچه پس کوچه های نانت و بور دو در تسخیر مهاجرانی است که پدر و مادرشان از کشورهای دور به فرانسه آمدند و در آن جامعه پذیرفته شدند. رد پای زندگی در فوتبال را وقتی می شود دقیق پیدا کرد که تیم ملی کرواسی بدون فوق ستاره های خوش تیپ، بی حاشیه و مرموز جلوی می رود. تیمی که مثل مردم کشورش اهل مد نیست اما روی کار تمرکز زیادی دارد. فوتبال می شود عین زندگی، وقتی فوتبال هلند مثل دشت های لاله چشم نواز است اما به اندازه ای که زیباست نتیجه نمی گیرد. در این مطلب به مناسبت آغاز یورو ۲۰۲۴ از فردا، درباره شخصیت جمعی تیم ها گفتیم و این که هر تیم تا چه اندازه جامعه خودش را نمایندگی می کند.

چرا یورو

جذاب و مهم است؟

مسابقات یورو ۲۰۲۴ از فردا با بازی افتتاحیه آغاز می شود. یورو برای خیلی ها جذاب ترین آوردگاه فوتبالی جهان است. جایی که بهترین ها حضور دارند. هر چند جام جهانی به دلیل فراگیر بودن تیم ها از قاره های مختلف و همین طور حضور برزیل و آرژانتین اعتبار زیادی دارد اما خیلی از فوتبالی ها معتقدند کیفیت نزدیک تیم ها به هم، شکل ارائه فوتبالی تهاجمی، تماشاگرپسند و بدون حاشیه و... باعث شده یورو جذابیت های زیادی داشته باشد. در این مسابقات کمتر دیدیم یک تیم ضعیف یا ضد فوتبال، حاشیه و جنگ روانی و بازی دفاعی مقابل یک تیم قدرتمند ظاهر شود. ضمن این که در یورو تیم های ضعیف کمتر حضور دارند و برخلاف جام جهانی که گاهی تیم های قوی مثل ایتالیا یا فرانسه غایب هستند، شاهد حضور همه تیم های مدعی و ستاره های شان هستیم. همه این ها یورو را از نظر فوتبالی در جایگاه خاصی قرار می دهد اما اگر خوب نگاه کنیم این مسابقات فرصتی برای بهتر دیدن دنیا، شناخت کشور و لذت بردن از تعاملات فرهنگی هم هست. موضوعی که در این پرونده سراغش رفتیم.

چه چیزی شخصیت تیمی

را می سازد؟

بعضی از ما به اشتباه تصور می کنیم روح جمعی حاکم بر هر گروه، هر سازمان، هر جمع، برآیندی از ویژگی های تک تک اعضای آن است. یعنی اگر اعضا تغییر کنند آن ویژگی ها زیرو رو می شود. برای همین حس می کنیم تیم فوتبال آلمان که در دهه ۹۰ با حضور بازیکنانی مثل ماتئوس، برمه و کلیزمان قهرمان جهان شد به لحاظ شخصیت تیمی، بسیار متفاوت تر از آن چیزی است که امروز می بینیم. در حالی که شخصیت یک تیم ورای ویژگی های تک تک نفراش، متاثر از هویتی است که طی سال ها در آن شکل گرفته و روی فردیت آدم هایش هم اثر گذاشته تا آن ها را حین اجرای مهارت ها به عنصری برای تیم فراتر از یک شخص تبدیل کند. این شخصیت تیمی بر اساس فرهنگ هواداری، ویژگی های ساختاری فوتبال، شرایط اجتماعی و خیلی چیزهای دیگر به مرور شکل گرفته و در ذهن و روان بازیکنان رسوخ پیدا کرده است. اگر یک تیم باور به پیروزی و شخصیت قهرمانی داشته باشد عناصرش چون کادرفنی، بازیکن و... در همین مسیر تلاش خواهند کرد. در حالی که ممکن است همان عوامل در تیم باشگاهی شان که فشار هوادار، شخصیت تیمی و هویتی متفاوتی دارد، عملکردی متفاوت داشته باشند. آن چه در ادامه در خصوص تیم های مطرح یورو ۲۰۲۴ بررسی می کنیم ناظر به شخصیت تیمی است که طی سال ها شکل گرفته و قرار نیست عیناً در همین جام هم انعکاس صدرصدی داشته باشد.

آلمان همیشه منظم و مدعی

در این مطلب فقط تیم های مدعی را بررسی می کنیم. از گروه A شروع می کنیم که آلمان میزبان در آن حضور دارد. آلمان را با فوتبال ماشینی و خشک می شناسیم. تیمی که با حوصله بازی می کند، به اصطلاح فوتبالی ۹۰ دقیقه ای. فوتبال آلمان به استمرار مدیریت، فرصت دادن به مربیان، شخصیت تیمی ثابت و... معروف است اما مدت ها مثل جامعه آلمان، فوتبال آلمان هم به شدت متاثر از نژادپرستی بود. تا این که در اولین گام، بدبینی هواداران با بازیکنان دور که با عملکرد مثبت امثال مهمت شول و مسوت اوزیل رفع شد تا بستر برای بقیه فراهم شود. کم کم بازیکنانی که فرزندان مهاجران بودند از راه رسیدند تا کمی خلایقیت به فوتبال آلمان اضافه شود. آلمانی ها با آن صورت های نسبتاً یخی که انگار احساسات زیرش مخفی شده و مرموز به نظر می رسند در فوتبال هم نتیجه گرا و غیر احساسی عمل می کنند. کمتر بازیکن آلمانی را می بینید که از کوره در برد و دو به داور اعتراض کند یا با خسونت بی دلیل، خطای غیر فنی و رفتار اشتباه اخراج شود اما با این همه رفتار حرفه ای و خط کشی شده، یک اشکال بزرگ در فوتبال آلمان هست، چشم نواز نبازی می کنند.



کرواسی مردان بی حاشیه

تا حالا موزیک یا فیلمی معروف از کرواسی دیده اید؟ مردمانی که اهل ادب و هنر هستند اما چندان خودنمایی نمی کنند و لافل در پرنزت خودشان چندان موفق نیستند. یک فوتبالیست ایتالیایی با عملکرد مودریچ می توانست پوستر روی دیوار نوجوانان دنیا باشد. سریال، کتاب و فیلم و مستند درباره اش ساخته شود اما مودریچ بیشتر شبیه یک آدم عادی است که

بازوبند کاپیتانی هم روی بازویش زار می زند و تا پا به توپ نشود باور نمی کنیم با یک هافبک وسط طراح، خوش فکر و شگفت انگیز و تمام نشدنی طرفیم. بازیکنان کرواسی در تیم های باشگاهی شان عملکرد موتوری دارند اما به اندازه کارآیی شان چهره نمی شوند. آن ها حرفه ای، بی سرو صدا و ساده بازی می کنند و بیشتر از آن که سلبریتی باشند، فوتبالیست هستند.



ایتالیا روزگار سخت خوش تیپ ها

ایتالیا حضور در جام جهانی را از دست داده، تیمش که متکی به مدافعان مرکزی توانمندی چون کیلینی بوده با بحران ستاره مواجه است. از بدروزگار هم در گروه سختی با اسپانیا و کرواسی هم گروه است. همه این ها می تواند برای یک تیم کابوس باشد اما ایتالیا فتنوسوار بازی می کند. مثل جام جهانی ۲۰۰۶ که اوج بحران در فوتبال این کشور بود. فساد مالی و تبانی لیگ این کشور را از اعتبار خارج کرد. بسیاری از ستاره ها ناچار شدند همه را بپوش به لیگ پایین تر بروند. یکی از مدیران اجرایی فوتبال این کشور که زمانی بازیکن معروفی هم بود قبل از جام خودکشی کرد و یک شوک دیگر به تیم وارد شد اما در دوره ای که برزیل با رونالدو، ریوالدو و نالدینیو یک مثلث ترسناک داشت و آلمان هم میزبان بازی ها بود، زیدان هم یک تنه فرانسه را به اوج برده بود این ایتالیای خسته بود که از آتش نا کامی و حواشی برخاست و قهرمان شد. در جام ۹۴ آمریکا هم ایتالیا به حمت از مرحله گروهی بالا رفت، تیم آریگو ساجی از هم پاشیده بود اما با جیو ظهور کرد تا تیم به فینال برسد و همین با جیو بود که با پانلتی اش در فینال رویاهای لاچوردی پوشان را نابود کرد. با این همه عادت داریم از ایتالیا غافل نشویم. مردان خوش پوش و خوش قیافه ای که گلا دیاتوری مبارزه می کنند. احساس بر آن ها غلبه دارد و بازی شور انگیز شان یا منجر به قهرمانی می شود یا تباهی. آن ها برخلاف آلمان حد وسط و ثبات ندارند.



اسپانیا پر شور و جوان گرا

در گروه B به دلیل سیدبندی متفاوتی که این دوره وجود داشت، سه تیم مدعی اسپانیا، کرواسی و ایتالیا حضور دارند. اسپانیا برای چند دهه نمادی از فوتبالی با ظرفیت های بالا بود که به دلیل درگیری های سیاسی، تیمی دوپارچه را ارائه مسابقات می کرد و هیچ وقت به آن چه حقش بود نمی رسید. رد پای دعوای کاتالان ها با حکومت مرکزی را همیشه می شد در تیم ملی هم دید، جایی که امثال پوپول، پیکه و... هیچ وقت به بازوبندی کاپیتانی نرسیدند. این شخصیت تیمی با یک کار عمیق و پایه ای تغییر کرد. زمانی که تیم ملی نوجوانان اسپانیا با بدنه ای از نوجوانانی که در آکادمی لاساسیای بار سا بودند در اروپا درخشید، بدنه همان تیم حفظ شد و با حداقل تغییرات، تیمی یکدست و شگفت انگیز ساخته شد که دو بار قهرمان یورو و یک بار قهرمان جهان شد. برای سال ها بالا بردن جام توسط کاپیتان کاسیاس تکراری ترین صحنه برای فوتبالی ها بود که به لطف نبوغ جوانان کاتالانی مثل ژاوی، اینیستا، پیکه و با حضور کاسیاس، راموس و... ممکن شد. امروز هم اسپانیا تیمی شگفت انگیز است. آکادمی لاساسیا با



انگلستان نوابغی که تیم نیستند

چند سالی است که لیگ برتر انگلستان به لحاظ کیفیت، حساسیت و جذابیت لیگ های آلمان، اسپانیا و به ویژه ایتالیا را جا گذاشته. خروجی آکادمی ها و تیم های پایه هم باعث ظهور نسلی از بازیکنان جوان و توانمند شده که در تیم های مختلف باشگاهی می درخشند اما انگلستان طی یک دهه اخیر، به ازای کیفیت لیگ و نیروی انسانی که در اختیار دارد نتوانسته موفقیتی کسب کند. تیم ملی انگلستان طی سال های اخیر در آخرین گام ها کم می آورد، از جام جهانی ۲۰۱۸ بگیرد تا یورو ۲۰۲۰. به طور کلی می توان گفت که نوابغ جوان این کشور در کنار هم نمی توانند یک تیم یکدست را ایجاد کنند. گاهی توانایی این همه نیروی انسانی خلایق، جوان و در مواردی سرکش می تواند در درس باشد تا امتیاز. در مواردی فرهنگ هواداری این تیم هم مزید بر علت است که تیم در گیر حواشی و نگرانی شود. لیگ فشرده و فرسایشی این کشور هم می تواند یکی از دلایلی باشد که تیم ملی شان لطمه ببیند.



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

پنج شنبه • ۲۴ خرداد ۱۴۰۳

۶ ذی الحجه ۱۴۴۵ • ۱۳ ژوئن ۲۰۲۴

شماره ۲۱۵۱۳

۲۷۳۲

فرانسه | منتخب جهان

گروه D یورو ۲۰۲۴ شاهد حضور دو غول بزرگ است؛ فرانسه و هلند. دو تیم که از جهاتی نقطه مقابل هم هستند. فرانسه تیمی متشکل از بازیکنان مهاجر و هلند تیمی که در مقاطع مختلف حضور بازیکنان مهاجر و دور که در آن باعث حواشی شده است. کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که مثل فرانسه در جذب استعداد های دور که و فرزندان مهاجرانش موفق عمل کند. همان طور که در خیابان های فرانسه می شود آدم هایی از نژادها و قومیت های مختلف دید، در تیم ملی این کشور هم گاهی تنها دو سه بازیکن اصلیتی کاملاً فرانسوی دارند. در خیلی از مواقع بازیکنان این تیم یاد رکود کی به فرانسه آمده اند یا از پدر و مادری مهاجر در فرانسه به دنیا آمده اند اما با این همه تفاوت، برخلاف هلند که حتی بازیکنانش گاهی رفتار نژادپرستانه دارند و در نقطه مقابل اسپانیا که مشکلات سیاسی اتحاد ابر هم می زند و حتی برخلاف آلمان ها که تا مقطعی غرورشان اجازه ر شد و پیشرفت به مهاجران را در بسیاری از حوزه ها به خصوص فوتبال نمی داد؛ فرانسه نه تنها شاکله تیمی اش را از مهاجران دارد، بلکه بسیاری از فوق ستاره هایش در سال های اخیر اصالتی فرانسوی ندارند که زیدان و امپا به شاخص ترین آن ها محسوب می شوند.



هلند | تیم همیشه نایب قهرمان

هلند یکی از معما های بزرگ فوتبال است، تیمی که دهه هاست در فوتبال دنیا می درخشد اما عناوین زیادی کسب نکرده. سه بار حضور مردان سرزمین لاله ها در فینال جام جهانی سه نایب قهرمانی را برای آن ها در پی داشته. حتی حضور فوق ستاره هایی مثل کرایوف، فان باستن و گولیت در مقاطع مختلف باعث شد این تیم جز در یورو ۱۹۸۸ قهرمانی کسب کند. انگار عمر ستاره های هلندی مثل عمر لاله کوتاه است. فن باستن در ۳۱ سالگی از فوتبال کنارت رفت. کرایوف زودتر از آن چه باید فوتبال ملی را کنارت گذاشت. گولیت در جام ۹۴ و در آستانه بازی ها از تیم ملی کنارت کشید. فوتبال در هلند محبوب است اما کمتر بهانه ای برای وفای ملی شده و در مواقعی حتی روی شکاف ها حرکت کرده برای همین است که این تیم به اندازه کیفیت، موفقیت های بزرگ کسب نکرده.



پرتغال | موسم وداع با کریس

پرتغال از آن تیم های عجیب است. تیمی که برای دود دهه متکی به فوق ستاره جذابیش کریس رونالدو بود. بازیکنانی که مثل کریس در کنار فوتبال به ظاهر خود می رسند و سفیر برنده های آر ایشی و بهداشتی هم هستند به طور معمول کم کم ترجیح می دهند به جای فوتبالیستی پرتلاش، یک سلبریتی خسته اما پولدار باشند و به تبلیغات اکتفا کنند. اما کریس تمام شدنی نیست. او تمام نمی شود، چون انگیزه هایش بی پایان است و این روحیه را به تیم هم منتقل کرده. فینال ۲۰۱۶ را به یاد بیاورید. زمانی که دیمتری پایت هافبک قلدر تیم ملی فرانسه روی پای کریس خطا کرد تا آقای ستاره قبل از پایان نیمه اول با چشم گریان از روی نیمکت شاهد فینال باشد اما پرتغال با مصدومیت ستاره اش باید عقب نشینی می کرد جسورانه بازی کرد و قهرمان شد. همین روحیه جالب پرتغالی هاست که باعث شده از زمان قدیم امثال دکو، بعدها پیه و حالا او تاولیو که هر سه برزیلی الاصل هستند بتوانند در تیم ملی پرتغال بازی کنند و انگار که در برزیل هستند، چون فوتبال شان شور انگیز و با تمام احساس است. از همان احساساتی که گاهی باخت را به برد تبدیل می کند و گاهی نتیجه اش غم انگیز است؛ هر چند شاید این آخرین تورنمنت پرتغال با کریس باشد.

